پیام

امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)

تألیف

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

جلد پنجم

بخش دوّم

إنَّ اللهَ يُبْتَلِى عِبَادَهُ عِنْدَ الاعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ، وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ، وَإغْلاَقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ، وَيُقْلِعَ مُقْلِعٌ، وَيَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ، وَيَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ. وَقَدْ جَعَلَ اللهُ سُبْحَانَهُ الإسْتِغْفَارَ سَبَباً لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَرَحْمَةِ الْخَلْقِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إنهُ كَانَ غَفَّاراً * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهاراً). فَرَحِمَ اللهُ امْرَأً اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ، وَاسْتَقَالَ خَطِيئَتَهُ، وَبَادَرَ مَنِيَّتَهُ!

ترجمه

خداوند بندگان خویش را هنگامی که اعمال بد انجام دهند، به کمبود میوه ها و جلوگیری از نزول برکات آسمان و بستن درهای گنجهای خیرات مبتلا می سازد، تا توبه کاران توبه کنند، گنهکاران دست از گناه بکشند، پندپذیران پند گیرند، و عاصیان از معصیت باز ایستند.

خداوند سبحان استغفار از گناه را، سبب فزونی رزق و مایه رحمت خلق قرار داده است، و (در قرآن) چنین فرموده است: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، که او بسیار آمرزنده است، برکات خویش را از آسمان بر شما فرو می فرستد، و با بخشش اموال و فرزندان، شما را کمک می کند، و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار می دهد» پس رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه بشتابد، از خطای خویش پوزش طلبد و (با اعمال صالح) بر مرگ پیشی گیرد.

شرح و تفسیر

گناه و کمبود باران و برکات

در این بخش امام (علیه السلام) برای آماده ساختن مردم جهت نماز و دعای باران، به نکته مهمی اشاره کرده می فرماید : «خداوند بندگان خویش را به هنگامی که اعمال بد انجام می دهند به کمبود میوه ها و جلوگیری از نزول برکات آسمان و بستن درهای گنج های خیرات مبتلا می سازد، تا توبه کاران توبه کنند، گنهکاران دست از گناه بکشند، پندپذیران پند گیرند و عاصیان از گناه باز ایستند». **(إنَّ اللهَ يُبْتَلِى عِبَادَهُ عِنْدَ الاعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ، وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ، وَإغْلاَقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ، وَيُقْلِعَ مُقْلِعٌ، وَيَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ، وَيَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ).**

سپس امام (علیه السلام) همچون طبیبی حاذق که پس از تشخیص درد، راه درمان را نشان می دهد چنین می فرماید : «خداوند سبحان استغفار از گناه را سبب فزونی رزق، و مایه رحمت خلق قرار داده است و (در سوره نوح آیات ۱۰ و ۱۱ و ۱۲) چنین فرموده است : از پروردگار خود آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، برکات خویش را از آسمان بر شما فرو می فرستد، با بخشش اموال و فرزندان، شما را کمک می کند، و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار می دهد !» **وَقَدْ جَعَلَ اللهُ سُبْحَانَهُ الإسْتِغْفَارَ سَبَباً لِدُرُورِ[1] الرِّزْقِ وَرَحْمَةِ الْخَلْقِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ : (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إنهُ كَانَ غَفَّاراً * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالِ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنّات وَيَجْعَلْ لَّكُمْ أنْهاراً).**

و در پایان چنین نتیجه می گیرد : «رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه بشتابد، از خطای خود پوزش طلبد و (با اعمال صالح) بر مرگ پیشی

۱. «درور» از مادّه «درّ» (بر وزن جرّ) به معنی ریزش شیر از پستان است سپس در مورد باران و مانند آن نیز بکار رفته است و «درور رزق» به معنی ریزش روزی از سوی خداست.

گیرد» **(فَرَحِمَ اللهُ امْرَأً اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ، وَاسْتَقَالَ**[1] **خَطِيئَتَهُ، وَبَادَرَ مَنِيَّتَهُ !).**

آری هنگامی که درهای رحمت الهی بر اثر کثرت گناهان بسته شود، چاره ای جز بازگشت به درگاه او و گشودن درهای رحمت به وسیله استغفار و توبه حقیقی نیست، و جالب این که امام (علیه السلام) برای اثبات این مقصد از مناسب ترین آیه قرآن بهره گرفته و با آن استدلال می کند، آیه ای که از زبان نوح پیامبر (علیه السلام)، خطاب به امتش سخن می گوید و نشان می دهد خداوند غفار، توبه کنندگان را می پذیرد، باران های پر برکت برای آنها می فرستد و سرمایه های مادی و نیروی انسانی آنها را تقویت می کند، و وضع کشاورزی آنها را با آب های فراوان بهبود می بخشد.

جمله «**وَبَادَرَ مَنِيَّتَهُ**» (بر مرگ پیشی گیرد) اشاره به این است که توبه تنها برای رسیدن به رفاه مادی دنیا نیست، بلکه هدف مهمتر آن، نجات در آخرت است; چرا که اگر مرگ بر توبه پیشی گیرد، راهی برای جبران نیست، و اگر توبه و اعمال صالح بر مرگ پیشی گیرند، کلید نجات در سرای دیگر در اختیار اوست.

j j j

نکته

بخشی از فلسفه بلاها

در مورد فلسفه بلاها و آفات، سخن بسیار گفته اند و گفته ایم. آنچه از بسیاری از آیات قرآن و روایات اسلامی استفاده می شود، یکی از علل **آفات و حوادث**

سخت زندگی، آلودگی به گناهان است که در آیات و روایات به طور

---

۱. «استقال» از مادّه «استقاله» به این معناست که شخصی را که زمین خورده کمک کنند تا برخیزد سپس به فسخ معامله یا تقاضای عفو و بخشش از گناه نیز اطلاق شده است.

گسترده پیرامون رابطه این دو با یکدیگر سخن گفته شده است، حتی از بعضی از روایات استفاده می شود کدام گناه با کدام نوع از بلا رابطه دارد، مثلاً زنا و بی عفتی، شرب خمر، کم فروشی، ربا خواری و قطع رحم هر کدام سبب سلب کدام نعمت می شود. در حدیثی می خوانیم در کتاب علی (علیه السلام) چنین آمده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: **هنگامی که زنا و بی عفتی آشکار گردد مرگ و میر ناگهانی زیاد می شود، و هنگامی مردم کم فروشی کنند خدا آنها را به قحطی و کمبود نعمت ها گرفتار می کند و هنگامی که زکات را نپردازند زمین برکات خودرا منع می کند... و هنگامی که قطع رحم کنند ثروت ها در دست اشرار قرار می گیرد، و هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر ترک شود افراد شرور بر آنها مسلط می شوند و نیکانشان دعا می کنند و مستجاب نمی شود**[1].

دلیل عقل، نیز این معنا را تأیید می کند که در میان گناه و قطع نعمت ها رابطه ای وجود دارد; زیرا فیض خداوند بر طبق شایستگی ها و لیاقت هاست، هنگامی که انسانها با گناه، عدم شایستگی خودرا اثبات کنند، قطع فیض الهی از آنها طبیعی است.

اضافه بر این از آیات قرآن استفاده می شود که هدف مهم دیگری نیز در کار است، و آن، بیدار ساختن غافلان و بازگرداندن آنها به درگاه خداست، تا آن جا که از بعضی از آیات قرآن استفاده می شود هر زمان پیامبری برای هدایت قوم مشرک و گنهکاری فرستاده می شد، خداوند برای فراهم ساختن زمینه های پذیرش دعوت آن پیامبر، مشکلات و گرفتاری هایی برای آن قوم فراهم می ساخت، همان گونه که در آیه ۹٤ سوره اعراف می خوانیم: « (**وَمَا**

---

۱. الکافی، جلد ۲، صفحه ۳۷۴، حدیث ۲ (با کمی تلخیص).

اَرْسَلْنَا فِی قَرْیَهٔ مِنْ نَبِیٍّ إِلاَّ أَخَذْنَا اَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ والضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونَ)؛ ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این که اهل آن را به ناراحتی ها و خسارت ها گرفتار ساختیم، شاید (به خود آیند و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند».

به این ترتیب یکی از اهداف مهم آفات و بلاها و حوادث دردناک، مسائل تربیتی است.

و در هر حال کلید گشوده شدن درهای بسته فرونشستن امواج بلا، چیزی جز بازگشت به سوی خدا نیست. همان گونه که قرآن مجید می گوید: « (**وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكات مِنَ السَّماءِ وَالارْضِ**)؛ اگر اهل شهرها و آبادیها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم»[۱].

و در جای دیگر می فرماید: « (**وَ أَلَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الْطَّرِيقَةِ لأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا**)؛ اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان و اطاعت خدا) استقامت ورزند، با آب فراوان آنها را سیراب می کنیم»[۲].

وآیات دیگر.

در حدیث پر معنایی از علی (علیه السلام) چنین می خوانیم: کسی نزد امیرمؤمنان (علیه السلام)آمد عرض کرد: یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ! گناهان فراوان کرده ام، دعا کنید خدا مرا ببخشد، فرمود: «**برو استغفار کن**».

دیگری آمد عرض کرد: مزارع ما از کم آبی خشک شده، دعا کنید خدا باران بفرستد، فرمود: «**برو استغفار کن**».

---

۱. اعراف، آیه ۹۶.

۲. جن، آیه ۱۶.

سوّمی آمد و عرض کرد : یا امیرالمؤمنین فقیر و بیچاره ام، دعا کنید خداوند مرا بی نیاز کند، فرمود : «**برو استغفار کن**».

چهارمی آمد عرض کرد : یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) مال و ثروت فراوان دارم ولی فرزندی ندارم، دعا کنید خدا مرا فرزندی دهد، فرمود : «**برو استغفار کن**».

نفر پنجمی آمد و عرض کرد : یا سیّد الوصیین باغ و بستان ما میوه اش کم شده، دعا کنید خداوند برکت دهد و میوه بیشتری نصیب شود، فرمود : «**برو استغفار کن**».

ششمین نفر آمد عرض کرد : یا علی ! در منطقه ما چشمه ها خشک شده و آب چشمه ها و کاریزها فرو رفته، دعا کنید از این گرفتاریها نجات یابیم، فرمود : «**برو استغفار کن**».

«**ابن عباس**» در آن جا حاضر بود، تعجب کرد، عرض کرد : یا امیرالمؤمنین هر کدام از این شش نفر تقاضایی داشتند، شما همه را یک جواب دادید، امام (علیه السلام) فرمود : پسر عم ! مگر کلام خدا را نشنیده ای که (در سوره نوح آیات ۱۰ و ۱۱ و ۱۲) می فرماید : (**فَقُلْتُ اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إنَّهُ كَانَ غَفّاراً * يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدراراً * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوال وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنّات وَيَجْعَلْ لَّكُمْ أَنهارًا**)[1].

j j j

۱. تفسیر منهج الصادقین جلد ۱۰، صفحه ۱۹ (با کمی تلخیص).

این حدیث به صورت فشرده تری از امام مجتبی (علیه السلام) نیز نقل شده است. (مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه ۳۶۱).